



An Analysis of the Evolution of Shiite Scholars' Views on the Continuity of Quranic Recitations (Qira'at)*

Sarah Tanafard ^۱ and Zahra Qasimnejad ^۲

Abstract



After the emergence of variations in Quranic recitations (Qira'at) and their restriction to the Seven and Ten Recitations (Qira'at) in the fourth century AH, Shiite scholars have demonstrated different approaches to deal with the massive reporting of Recitations (Qira'at) over the years. Some contemporary scholars believe that Shia Muslims have unanimously agreed on Quranic Recitations (Qira'at) from the beginning of the Quran's revelation to the present day. However, a closer examination of sources reveals not only the absence of such unanimity but also significant changes in the views of Shiite scholars on the massive reporting of Quranic recitations (Qira'at) over the past fourteen centuries. Some have denied the massive reporting of Quranic recitations (Qira'at), while others have explicitly considered them massive reports. In this research, we have attempted to extract the opinions of renowned Shiite scholars from their remaining works and clarify the differences in their approaches to the issue of the massive reporting of the Quranic recitations (Qira'at) over the years. We have also analyzed and compared these viewpoints to illustrate the historical evolution of their views on this topic. The results of this study indicate that the perspectives of Shiite scholars regarding the massive reporting of Quranic recitations (Qira'at) vary. In the first to fifth centuries, the permissibility of famous recitations (Qira'at) was discussed, and from the sixth century onwards, the issue of the massive reporting of Quranic Recitations (Qira'at) was raised. From the ۱۱th century onwards, Shiite scholars began to deny the massive reporting of Quranic recitations (Qira'at).

Keywords: Differences in Quranic Recitations (Qira'at), Shiite Scholars, Massive Reporting of Quranic Recitations (Qira'at), Unity of Revelation, Seven Recitations (Qira'at).

*. **Date of receiving:** ۰۵ February ۲۰۲۲, **Date of approval:** ۲۶ April ۲۰۲۲.

^۱. Ph.D. Candidate in Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Department of Quran and Jurisprudence, Shiraz University, Iran; (s.tanafard@gmail.com)

^۲. Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Department of Quran and Jurisprudence, Shiraz University, Iran, (Corresponding Author); (z_ghasemi۲۲@yahoo.com).



تحلیل تحول دیدگاه دانشمندان شیعه در تواتر قرائات*

ساره تنافرد^۱ و زهرا قاسم نژاد^۲



چکیده

پس از پدید آمدن اختلاف قرائات و محدودسازی آنها به قرائات سبعة و عشره در قرن چهارم هجری، علمای شیعه در طی سال‌ها رویکردهای متفاوتی در برخورد با تواتر قرائات از خود نشان دادند. برخی علمای معاصر معتقدند از ابتدای نزول قرآن تا کنون، شیعیان در زمینه اختلاف قرائات متفق القول بوده‌اند؛ اما با بررسی دقیق‌تر منابع مشاهده می‌شود که نه تنها چنین نبوده، بلکه نظرات دانشمندان شیعه در چهارده قرن گذشته در باب تواتر قرائات قرآن، تغییراتی داشته است. برخی به انکار تواتر قرائات پرداخته و برخی به صراحت آنها را متواتر دانسته‌اند. در این پژوهش تلاش شده با روش توصیفی - تحلیلی ضمن استخراج نظرات اندیشمندان معروف شیعه، از میان آثار باقی مانده از آنها، به بیان تفاوت رویکرد ایشان در مقابله با مسأله تواتر قرائات در طی سال‌ها و مقایسه این دیدگاه‌ها پرداخته و سیر تحول تاریخی آراء ایشان در باب تواتر تشریح شود. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد دیدگاه اندیشمندان در حوزه تواتر قرائات متفاوت است. در قرن اول تا پنجم مسأله جواز قرائات معروف مطرح بوده و از قرن ششم بحث تواتر قرائات مطرح شده و از قرن ۱۱ به بعد رأی اندیشمندان شیعه انکار تواتر قرائات است.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائات، اندیشمندان شیعه، تواتر قرائات، وحدت نزول، قرائات سبعة.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، بخش علوم قرآن و فقه دانشگاه شیراز، ایران؛
(s.tanafard@gmail.com).

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی، بخش علوم قرآن و فقه دانشگاه شیراز، ایران، «نویسنده مسئول»؛
(z_ghasemi@yahoo.com).



مقدمه

پس از رحلت رسول گرامی اسلام ﷺ برخی صحابه به جمع‌آوری نسخه‌هایی از کلام الله مجید پرداخته و مصحف‌هایی را تهیه کردند که از روی آن به قرائت قرآن پرداخته و شاگردانی را تربیت می‌نمودند. به مرور و در اثر پدید آمدن اختلافات متعدد، عثمان تصمیم به یکسان‌سازی مصاحف گرفت و به کمک برخی صحابه به این مهم اقدام کرد. اما عواملی چون برخی سهل‌انگاری‌های عثمان، ضعف‌ها و کمبودهای رسم الخط و نیز تفاوت‌هایی که در تهیه نسخ نهایی ارسال شده به بلاد مختلف اسلامی ایجاد شد، در کنار تفاوت لهجه‌ها و بسیاری عوامل دیگر در سال‌های بعد اختلاف قرائاتی را پدید آورد که روزه‌روز افزایش یافت و علما را به محدودسازی قرائات و تعیین شرایطی برای قبول قرائات صحیح و ادار ساخت. از مهمترین و تأثیرگذارترین اقداماتی که در این زمینه صورت گرفت کار ابن مجاهد در قرن چهارم هجری بود که با انتخاب قرائت مشهور و مورد اتفاق مسلمین در هر بوم قرائی، قرائات موجود در میان مسلمانان را به هفت قرائت محدود کرد. در برخورد با پدیده پیش‌آمده، علمای شیعه و سنی برخوردهای متفاوتی از خود نشان دادند. در میان شیعیان، علمای بزرگ در طی سال‌ها نظرات متعددی درباره این مسأله مطرح کردند که در کتب ایشان قابل دسترسی بوده و مقالات و پژوهش‌هایی نیز در رابط با نظرات برخی از این بزرگواران به صورت مجزا تهیه شده است. از جمله مقاله گراوند و دیگران که به بررسی موردی دیدگاه مرحوم طبرسی در باب اختلاف قرائات پرداخته (گراوند و دیگران، ۱۳۹۸: شماره ۱۲) و یا مقاله سلطانی که تنها در زمینه بررسی دیدگاه شیخ طوسی در این باره تهیه شده است (سلطانی، ۱۳۹۸: شماره ۱۲). همچنین می‌توان از مقاله فاکر میبدی نام برد که نقش اختلاف قرائات را در تفسیر المیزان مورد مطالعه و بررسی قرار داده است (فاکر میبدی، ۱۳۹۰: سال ۴، شماره ۲). اما این پژوهش ضمن جمع‌آوری و استخراج یکپارچه نظرات تعداد کثیری از مهمترین و تأثیرگذارترین دانشمندان شیعه، در زمینه اختلاف قرائات به بررسی سیر تاریخی آنها پرداخته و تفاوت رویکرد ایشان در مقابله با تواتر قرائات در طی سال‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

به عبارتی این پژوهش با توجه به مسأله تواتر قرائات که امروزه شیعه همه قرائت‌ها را دارای تواتر نمی‌داند اما اهل سنت معتقد به تواتر قرائات‌های هفت‌گانه هستند به بررسی این مسأله در بین اندیشمندان شیعه می‌پردازد که آیا اندیشمندان شیعه از قرون اولیه تا امروز در بحث تواتر قرائات بر یک باور بوده‌اند یا اندیشه آنها در این زمینه متفاوت بوده است. فرضیه پژوهش بر این است که به دلیل جریان‌های مختلفی که در حوزه قرائات شکل گرفته است و تأثیری که این جریانات بر جوامع داشته‌اند

شاید اندیشمندان شیعه نیز تحت تأثیر این جریانات مسأله تواتر قرائات را در دوره‌های مختلف با رأی و نظری متفاوت بیان نموده باشند. به عنوان نمونه در قرن دوم و سوم اختلاف قرائات آزادانه مطرح می‌شده که نمونه بسیار عالی آن در تفسیر معانی القرآن فراء انعکاس یافته که مفسر آزادانه قرائت‌های موجود را بیان می‌نماید اما از قرن پنجم با تسبیح قرائات توسط ابن مجاهد وضع نقل قرائات در تفاسیر معمولاً متفاوت می‌شود؛ حتی نگارش کتاب‌های احتجاج به خوبی نشان می‌دهد که به گونه‌ای نویسندگان سعی در اثبات قرائت‌های هفت‌گانه به عنوان وحی دارند که این مسائل می‌تواند رأی اندیشمندان شیعه در بحث تواتر قرائات را هم تحت تأثیر قرار داده باشد که پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و گاه تطبیق و مقایسه به بررسی این مسأله می‌پردازد.

در زمینه پیشینه موضوع باید گفت مقالات متعددی در حوزه قرائات و به‌ویژه مسأله تواتر قرائات به رشته تحریر در آمده است اما مقاله‌ای که رأی و دیدگاه اندیشمندان شیعه را در بحث تواتر از صدر اسلام تا کنون مورد ارزیابی و مقایسه قرار داده باشد وجود ندارد.

الف. انواع قرائات

قرائات با توجه به شاخصه‌هایی نظیر سند صحیح، تطبیق با قواعد عربی و رسم الخط عثمانی دارای اقسام مختلفی است:

قرائات متواتر: هر قرائتی که با قواعد و دستور زبان هماهنگی دارد و منطبق با رسم الخط یکی از مصاحف عثمانی است اگر به‌طور متواتر نیز نقل شود، این قرائات را باید قرائات متواتر و قطعی دانست (ابن جزری، ۱۳۵۰: ۱۵). نیز گفته‌اند: قرائات متواتر عبارت است از قرائاتی که اتصال آنها به پیامبر ﷺ یا معصوم ﷺ قطعی است، چه نقل آنها متواتر و یا مستفیض باشد (فضلی، ۱۴۱۳: ۸۴).

قرائات صحیح: این بخش از قرائات به دو دسته قابل تقسیم است: ۱. قرائاتی که جامع ارکان و شرایط سه‌گانه است؛ ۲. قرائات شاذ.

قرائات جامع ارکان و شرایط سه‌گانه: این قرائات به دو دسته مستفیض و غیر مستفیض قابل تقسیم است: قرائات مستفیض، قرائاتی است که نقل آن، مشهور بوده و امت آنها را تلقی به قبول کرده‌اند؛ این نوع از قرائات از دیدگاه علما، به قرائات متواتر ملحق می‌شود؛ زیرا این قرائات، مستفیض و مقرون با خصوصیتی است که اتصال آن را به پیامبر ﷺ قطعی و قابل اطمینان می‌سازد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۸۵: ۲۴). قرائات غیر مستفیض، قرائاتی است که نقل آن مشهور نبوده و امت نیز آنها را تلقی به



قبول نکرده‌اند؛ به عبارت دیگر، قرائاتی است که موافق با عربیت و دارای سند صحیح اما مخالف با رسم الخط مصحف عثمانی می‌باشد و یا قرائاتی که، با اسناد صحیح در مورد زیاده و یا نقصان و یا ابدال کلمه‌ای به کلمه دیگر و امثال آن مطرح می‌باشد (ابن جزری، ۱۳۵۰: ۱۱؛ حجتی، ۱۳۸۶: ۱۲۳).
قرائات شاذ: عالمان لغت، فقه، نحو و قرائت در تعریف معنای اصطلاحی شاذ، اتفاق نظر ندارند. گروهی قرائتی را که یکی از ارکان سه‌گانه مقبولیت را نداشته باشد، شاذ نامیده‌اند (سیوطی، بی‌تا، ۲۶۶/۱؛ ابن جزری، ۱۳۵۰: ۴۱؛ همو، بی‌تا، ۳۶/۱).

از دیر باز میان عالمان این پرسش مطرح بوده است که چه قرائتی از قرآن، اعتبار دارد و یا به عبارتی دیگر دارای حجت است؟ قرائت فعلی ما همان قرائتی است که مسلمانان در ابتدا به آن عمل می‌کردند. روایت «إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَمِعْ لَهُ يَنْزِلُ» مربوط به قرائت واحدی است که در «نَزَلَ عَلَى حَرْفٍ وَاحِدٍ مِنْ عِنْدِ الْوَاحِدِ» مورد نظر بوده است (معرفت، ۱۳۸۲: ۱۴۶/۲).

تواتر قرائات

مسئله تواتر قرائات سبع از مباحث مهم و چالشی در دانش قرائات است که آیا این قرائات متواترند و حجیت قطعی دارند؟ زیرا اگر متواتر باشند و با نقل همگانی روایت شده باشند، در حجیت آنها شك و تردیدی نخواهد بود. متواتر در لغت به معنای یکی پس از دیگری آمدن بلافاصله است و در اصطلاح علم الحديث، منظور خبر جماعتی است که اتفاق آنان بر کذب محال و در نتیجه فی‌نفسه و بدون انضمام قرائین، موجب علم به مضمون خبر باشد. بنابراین تواتر، نقل‌های پی‌درپی و فراوان و یقین‌آور را گویند که ناقلان آن در کثرت به حدی رسند که نه تنها یقین‌آور باشد که احتمال تبانی ایشان بر کذب محال باشد؛ بنابراین خبر متواتر را شروطی است که عبارت‌اند از:

۱. استعمال سند از راوی اخیر تا مصدر حدیث به صورت تام؛
 ۲. رسیدن عدد روات و ناقلین به حدی از کثرت و اشتها که از تبانی ایشان بر کذب ایمن باشد؛
 ۳. برقراری این کثرت نقل در هر عصر و طبقه تا مصدر اول.
- در نتیجه هر جا بحث از تواتر می‌شود باید در نظر داشت که خبر مورد نظر واجد شرایط لازم باشد و هرگونه تسامح و غفلت از این شرایط ممکن است منجر به خطا شود.

در کلام بسیاری از اندیشمندان علوم قرآنی و نیز برخی فقها، مسئله تواتر قرائات سبع مطرح شده است؛ دانشمندان اسلامی در باره قرائت‌های هفت‌گانه مشهور آرا و نظریات مختلفی ابراز کرده‌اند؛ عده‌ای از دانشمندان اهل سنت می‌گویند همه قرائت‌های هفت‌گانه به‌طور متواتر به شخص رسول خدا ﷺ می‌رسد و پیامبر اسلام ﷺ قرآن را با این قرائت‌های هفت‌گانه می‌خوانده است. بعضی از علما

این عقیده را معروف و مشهور دانسته‌اند. از سبکی نقل شده است که وی همه قرائت‌های ده‌گانه را متواتر می‌داند. (زرقانی، ۱۳۸۵: ۴۳۳) بعضی دیگر پنداشته‌اند هر کس این قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر نداند کفر ورزیده و عقیده او مخالف اسلام است. این نظریه به مفتی اندلس، ابوسعید فرج بن لب نسبت داده شده است (زرقانی، ۱۳۸۵: ۴۲۸).

ولی عقیده معروف میان شیعه این است که این قرائت‌ها متواتر نبوده، به‌طور یقینی به پیامبر اسلام ﷺ منتهی نمی‌شوند؛ بلکه بعضی از این قرائت‌ها یک نوع اجتهاد خود قاریان بوده است و پاره‌ای دیگر به‌صورت خبر واحد به پیامبر اسلام ﷺ می‌رسد، نه به‌طور تواتر. همین نظریه را عده‌ای از محققان و دانشمندان اهل سنت نیز پذیرفته‌اند.

بنابراین پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع مسأله تواتر قرائات را از منظر اندیشمندان شیعه در ﷺ طی تاریخ شیعه مورد مطالعه قرار می‌دهد.

ب. دیدگاه ائمه دربارهٔ اختلاف قرائات

امام علی (علیه السلام) به‌عنوان مقتدای شیعیان که خود نسخه‌ای از قرآن را جمع‌آوری نموده و در عرضه آن به مسلمین با مخالفت خلیفه مواجه شد و در حالی که در جمع اول و دوم قرآن از ایشان که برترین صحابه و نزدیک‌ترین افراد به پیامبر ﷺ به شمار می‌آمد برای همکاری دعوت به عمل نیامده بود؛ هیچ‌گونه مخالفت و مقاومتی در این زمینه به خرج نداد و مصحف رایج را پذیرفته و در تمام مدت زمان حیات خود و حتی در زمان خلافتشان با آن مخالفتی نکردند. فرزندان ایشان و سایر ائمه نیز، حتی در توصیه به شیعیان خاص خود، حرفی خلاف آن نزدند و همواره شیعیان را به پیروی از همان قرائت رایج امر کردند (کلینی، ۱۳۶۳: ۶۳۱/۲). از جمله سخنان ائمه (علیهم السلام) در این باره می‌توان به کلام حضرت امیر (علیه السلام) اشاره کرد که فرمود: «لا يهاج القرآن بعد اليوم ولا يحول» (نوری، ۱۴۰۸: ۴/ ۲۲۶).

ج. رویکرد شیعیان در زمینه تواتر قرائات

علمای شیعه به پیروی از سخنان نبی گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار (علیهم السلام)، همگی معتقدند که قرآن، کلام الهی از جانب خداوند واحد، به یک حرف واحد و بر نبی واحد نازل شده است؛ اما در مقابل واقعیت پدید آمده در جامعه اسلامی، در قرن‌های بعد که بروز اختلاف در برخی قرائت‌هاست، واکنش‌های متعددی نشان داده و عقاید و فتاویٰ بعضاً متفاوتی را بیان کرده‌اند. برخی با صراحت، قرائات سبعة و عشره را متواتر می‌دانند و برخی دیگر به انکار تواتر آن می‌پردازند. در یک نگاه کلی



می‌توان سیر تاریخی تحول نظرات اندیشمندان شیعه را در چند دسته زیر خلاصه کرد. در قرن‌های نزدیک به زمان نزول قرآن، غالب علمای شیعه قائل به جواز قرائات معروف میان مسلمین بودند؛ سپس با محدودسازی قرائات به قرائات سبعة و عشرة، رفته رفته رویکرد اغلب علمای شیعه نیز به سمت تأیید قرائات سبعة و در برخی موارد عشرة رفت؛ اما هرچه به سمت زمان معاصر نزدیک شویم، شاهد هستیم که تعداد قابل توجهی از اندیشمندان شیعه به انکار تواتر قرائات پرداخته و تنها قرائت حفص از عاصم را صحیح دانسته‌اند. البته ناگفته نماند در تمام این دوران همواره دانشمندانی از شیعیان، نظراتی متفاوت از سایرین ارائه کرده‌اند که در ادامه این نوشتار، به تفکیک به تبیین نظرات ایشان پرداخته خواهد شد.

۱. قائلین به جواز قرائات معروف میان مسلمین (دیدگاه رایج قرن اول تا پنجم)

در قرون اولیه قبل از تسبیح قرائات دیدگاه رایج این بود که همه قرائات معروف در میان مسلمانان جایز است که در بین اندیشمندان شیعه نیز برخی بر این باور هستند. البته در قرون اخیر و دوران معاصر هم برخی بر همین باورند که دیدگاه این اشخاص به ترتیب تاریخی بیان می‌گردد.

شیخ مفید (م ۴۱۳)

شیخ مفید از جمله کسانی است که معتقد است: بی‌شک همه آنچه بین الدفتین قرار گرفته، کلام خداست و از جانب او نازل شده و نه تنها چیزی از آن از بین نرفته بلکه چیزی از کلام بشر هم در آن راه نیافته است. اما ایشان در بیانی دوسویه، بروز خطا در ثبت برخی آیات را غیر ممکن ندانسته و در ادامه سخن خود چنین می‌افزاید که: چنانچه چیزی در این قرآن ثبت نشده باشد یا به خاطر کوتاهی در شناخت است و یا به خاطر شک و عدم اطمینان به قرآن بودن آن و یا حتی شاید تعمداً حذف صورت گرفته باشد، اما آنچه مسلم است این است که تمام قرآن از اول تا آخر با رعایت ناسخ و منسوخ، مکی و مدنی و غیره به دست امام علی (علیه السلام) جمع‌آوری شده است. آنگاه تأکید می‌کند که طبق خبر صحیح رسیده، امامان ما را امر کردند به خواندن مابین الدفتین و اینکه آن را بیشتر و کمتر ندانید تا زمانی که قائم ما قیام و قرآن را همان گونه که خداوند نازل کرده و امیرالمومنین جمع‌آوری نموده است برای مردم بخواند و بیان این نکته که امامان به وسیله اخبار، ما را از خواندن حرف‌هایی اضافه شده بر مصحف ثابت، نهی نمودند؛ زیرا هیچ یک متواتر نبوده و به‌طور آحاد به ما رسیده است و وقوع خطا در آنچه شخص نقل کرده ممکن است و نیز خواندن خلاف مابین الدفتین را جایز ندانسته‌اند. سپس ایشان خود سوالی را مطرح نموده که اگر کسی بگوید چگونه می‌توان مابین الدفتین را کلام خدا دانست که زیاده و نقصانی در آن نیست؛ در حالی که در روایات نقل شده از امامان (علیهم السلام)، برخی آیات قرآن به گونه دیگری

دانسته شده، مانند عبارت: «خیر ائمه اخرجت للناس» به جای «خیر امه للناس» و یا «کذلک جعلناکم ائمه وسطا» به جای عبارت «کذلک جعلناکم امه وسطا» و... اینها همه خلاف مصحفی است که در دست مردم قرار دارد؛ پاسخ چنین خواهد بود که اینها همه خبر واحد بوده و صحت آنها قطعی نیست (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۷۸-۸۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۱۰۸) از اینکه شیخ مفید روایات مخالف با نص مصحف را خبر واحد دانسته، چنین نتیجه گرفته شده که ایشان قرآن موجود را متواتر می دانسته است. (ساکی و شاکر، ۱۳۹۳: سال ۵، شماره ۱۷).

شیخ طوسی (م ۴۶۰)

شیخ طوسی نیز ضمن اعلام این عقیده که بر طبق اجماع شیعیان و اخبار منقول، قرآن به یک حرف واحد بر نبی واحد نازل شده است؛ چنین فتوا می دهد که اجماع علمای شیعه بر این است که قرائت قرآن بر اساس آنچه بین قاریان متداول است جایز بوده و انسان مختار است تا به هر قرائتی که بخواهد بخواند. و نیز اکراه داشتند از اینکه قرائتی را برتر از سایر قرائات بدانند و خواندن به هر قرائتی که بین قراء مجاز است و از سوی آنها تحریم نشده را اجازه داده اند. اما علی الظاهر اشاره مستقیمی به قرائات سبع نکردند. ایشان همچنین ادعای نزول قرآن به هفت حرف را به مخالفین نسبت داده و می گوید: ادعای نزول قرآن بر هفت حرف و نسبت دادن آن به حضرت رسول ﷺ سخن مخالفین ماست و چون خبر واحد است، عمل به آنها واجب نیست و به فرض صحت نیز بهترین احتمال در معنای آن از منظر شیخ طوسی جواز القرائه بما اختلف القراء فیه است (طوسی، ۱۴۱۳: ۷/۱). همچنین ایشان در عمل نیز در شیوه و روش تفسیری خود پیش از تفسیر هر آیه چنانچه اختلاف قرائتی در آیه وجود داشته باشد به بیان اختلافات پرداخته و حجت هر یک را شرح می دهد و در وجوه اعتبار یا برتری قرائات، برای هیچ یک از قرائت ها رجحان قائل نیست و حتی گاهی قرائتی دیگر را بر قرائت عاصم ترجیح داده است (طوسی، ۱۴۱۳: ۹۵/۵؛ سلطانی رنانی، ۱۳۹۸، سال ۷، شماره ۱۲).

شیخ محمد علی اراکی (م ۱۴۱۵)

آیت الله اراکی در کتاب الصلوة خود، به نکته قابل تأملی اشاره کرده و می گوید: منظور از تواتر در مبحث فقه قرائات، تواتر مطرح شده در علم اصول یا علم حدیث نیست؛ بلکه به معنای رفتار جاری میان مسلمین در قرائت قرآن به پیروی از قراء سبع و عشر است؛ بدون ترجیح یک قاری بر دیگری؛ که رواج این رفتار در زمان امامان شیعه و عدم انکار و ردع این سیره توسط آنان قرینه رضایت ایشان به این



رفتار و تأیید این قرائات تلقی شده است (اراکي، ۱۴۲۱: ۱۴۱/۲). مشابه این سخن را صاحب جواهر از مرحوم بهبهانی نیز نقل کرده است که گفته: مراد از تواتر آن قرائتی است که صحتش در زمان ائمه متواتر بوده است و ایشان راضی به آن قرائت بوده و آن را صحیح می‌دانستند و اجازه می‌دادند تا در نماز خوانده شود و در واقع آن را تجویز می‌کردند چون آنها راضی بودند به قرائت قرآن همانگونه که بین مردم رایج بود و حتی فراتر از این گفتند که چه بسا که از قرائت حق منع می‌کردند و می‌گفتند آن مخصوص ظهور حضرت مهدی است. با این حال در این محدوده زمانی هنوز کسانی از علما بودند که با کمی احتیاط قرائاتی غیر از قرائات سبعة را با شرایطی جایز می‌دانستند (نجفی، ۱۴۳۰: ۲۹۲/۱).

۲. قائلان به تواتر قرائات سبعة (دیدگاه رایج قرن ۶ به بعد)

پس از تسبیح قرائات دیدگاه رایج اندیشمندان در حوزه قرائات محدود به تواتر قرائات سبع شد که برخی از دانشمندان علوم قرآنی شیعه نیز در تفاسیر یا کتب علوم قرآنی از همان قرن ششم تا به امروز بر این باور هستند.

شیخ طبرسی (م ۵۴۸هـ)

شیخ طبرسی از جمله کسانی است که به طور مستقیم به قرائات سبع اشاره کرده و در تأیید آنها و بیان علت اعتماد مردم به آنها سخن گفته است. ایشان در مقدمه تفسیر خود به نام مجمع البیان دلیل اعتماد مردم به قرائت قراء سبعة را دو مطلب دانسته است:

یکی مقام شامخ و صلاحیت علمی قراء سبعة و اینکه کار خود را به امر قرائت منحصر کرده بودند؛ در حالی که مابقی قراء تنها به قرائت نمی‌پرداختند، بلکه به فقه و حدیث و غیره نیز اشتغال داشتند. دوم اینکه اینان با مقام و موقعیت معروف خود و اطلاعاتی که از وجوه مختلف قرآن داشتند، قرائتشان را حرف به حرف از اول تا آخر از افرادی می‌گرفتند که به امام یا یکی از قاریان بزرگ مستند می‌شد. شیخ طبرسی پس از این مقدمه نتیجه می‌گیرد که در مذهب امامیه اجماع بر جواز قرائت مطابق قرائاتی متداول بین قاریان بوده است و از اینکه بخواهند فقط یک قرائت را بر سایرین ترجیح دهند اکراه داشتند. سپس در ادامه به معنای سبعة احرف اشاره می‌کند که دو معنی برای آن آمده است؛ یکی هفت لغت که منظور همان جابه‌جا کردن کلماتی است که تغییر آنها در معنی و حکم تفاوتی ایجاد نمی‌کند، همچون تعال و هلم. معنی دوم اختلاف قرائات که به هفت وجه هستند، اختلاف در اعراب و حروف و جابه‌جایی و غیره که ایشان نیز به نقل از شیخ طوسی وجه دوم را بهتر می‌داند. (طبرسی، ۱۳۹۰: ۱۸/۱)

مرحوم طبرسی همچنین در شیوه تفسیری خود بدین‌گونه عمل کرده است که در هر آیه ضمن بیان

اختلاف قرائات موجود به همراه ذکر نام قاری آن، خود را ملزم به محدود ماندن در قرائات سبعة نمی‌داند و در مواردی نیز از قرائت‌های صحابه و تابعان و تابعان آنها و حتی از امامان شیعه نقل قرائت می‌کند و در بیان قرائات مختلف از یک آیه گاهی حتی وجه حفص از عاصم را اصلاً نقل نمی‌کند و در برخی موارد نیز ضمن بیان آن، سایر وجوه قرائت را بر آن ترجیح می‌دهد. به نظر می‌رسد که قرائت ارجح نزد ایشان قرائت ابوعمر و بصری است (پارچه باف دولتی، ۱۳۹۲، سال ۱، شماره ۱). به عبارتی شیخ طبرسی رجوع به قرائت‌های دیگر را جایز دانسته است حتی استفاده از قرائت شاذ را مطرح کرد است (محمدی، ۱۴۰۱، ص ۳۰۳).

علامه حلی (م ۷۲۶)

در قرن هفتم و هشتم هجری قرائات سبعة کاملاً جایگاه خود را در جوامع اسلامی تثبیت کرده و قرائات حول محور این هفت قرائت (و در مواردی ده قرائت) می‌چرخید تا جایی که حتی در مواردی مخالفین آنها را مورد تکفیر قرار می‌دادند؛ در میان شیعیان، عالمان بزرگی همچون علامه حلی صراحتاً قرائات سبعة را متواتر دانسته و گفته است که قرائت به هر یک از قرائات هفت‌گانه جایز است چون هر هفت قرائت متواتر هستند. در واقع معیار ایشان در صحت قرائت تواتر آن است و هر قرائتی را که بر مبنای قرائت شاذ باشد ولو که روایت متصلی داشته باشد مجاز نمی‌داند به دلیل عدم تواتر آن. همچنین ایشان تصریح می‌کند که محبوب‌ترین قرائت نزد من قرائت عاصم از طریق ابی بکر بن عیاش و قرائت ابی عمرو بن علاس است. و نیز چنین می‌افزاید که قرائت این دو نسبت به قرائت حمزه و کسایی اولی است؛ زیرا قرائت حمزه و کسایی را به سبب وجود ادغام و اماله و زیادی مد دارای تکلف دانسته است. در عین حال که اگر در نماز خوانده شوند به صحت نماز لطمه‌ای وارد نمی‌سازند. (حلی، منتهی المطلب، ۵: ۱۴۱۲/ ۶۵) و نیز در احکام قرائت نماز می‌گوید که واجب است تا به قرائات متواتر خوانده شود که همان قرائات سبعة است و خواندن به قرائات شاذ و قرائات ده‌گانه را جایز ندانسته است. ایشان حتی نماز خواندن به قرائت ابن مسعود و ابی را جایز نمی‌داند چون متواتر نیستند و دلیل می‌آورد که غیر المتواتر لیس بقرآن و یا اینکه گفته است: «يجب ان يقرأ بالمتواتر من القرائات و هي السبعة» و قرائات متواتر را فقط و فقط محدود در قرائات سبعة می‌دانستند (حلی، تذکره الفقهاء، ۳: ۱۴۱۴/ ۱۴۱).

شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴)



شیخ حر عاملی نیز از جمله کسانی است که قرائات سبعة را متواتر دانسته و قرائت قرآن را در نماز و غیر آن فقط به قرائات سبعة جایز می‌داند و شاهد این نکته کتاب الصلوة در جلد چهارم وسائل الشیعه است که وقتی شیخ می‌خواهد در آن به بیان احادیث مربوط به اختلاف قرائت بپردازد، باب را چنین نام‌گذاری کرده است: «باب وجوب القراءة فی الصلوة و غیرها بالقرائات السبعة المتواترة دون الشواذ والمروية» و از این نام‌گذاری می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایشان قائلند به اینکه قرائت قرآن در نماز و غیر آن فقط به قرائات سبعة جایز است چون متواترند و قرائت به قرائات شاذ و روایت شده غیر از آنها را جایز نمی‌دانند (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۱۷۸/۴).

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی (م ۱۲۹۸)

سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، صاحب عروه می‌گوید: احوط این است که قرائت نماز با یکی از قرائات سبعة باشد ولی اقوی آن است که خواندن بر طبق قرائات سبعة واجب نیست و به هر قرائتی که منطبق بر اصول و قواعد زبان عربی باشد کفایت می‌کند (طباطبائی یزدی، عروه الوثقی، ۵۲۰/۱۴۱۷:۲)

امام خمینی (م ۱۴۰۹)

امام خمینی رحمته الله در باب قرائت چنین فتوا داده‌اند که احتیاط آن است که از یکی از قرائات سبعة تخلف نکند و بلکه بعید نیست قرائت بر طبق یکی از قرائات غیر از سبعة نیز جایز باشد و همچنین از قرائت مصحف موجود میان مردم هم تخلف نکند (خمینی، ۱۳۹۰: ۱۶۸/۱). ایشان همچنین در پاسخ به برخی استفتائات گفته‌اند خواندن نماز به قرائت یکی از قراء معروف مانع ندارد و نیز در حاشیه عروة الوثقی یادآور شده‌اند که ترک نشود قرائت نماز به یکی از قرائات سبعة (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹: ۵۱۹/۲).

آیت‌الله حسن‌زاده آملی (م ۱۴۴۳)

آیت‌الله حسن‌زاده آملی از دیگر علمای شیعه در رساله «قرآن هرگز تحریف نشده» به نقل از تفسیر مجمع‌البیان می‌گوید: ابوبکر بن عیاش گفته من ده حرف و قرائت را وارد در قرائت عاصم از قرائت علی بن ابی طالب کردم تا قرائت علی را خالص گردانم و آن قرائت حسن و ابی‌عبدالرحمن سلمی است. ایشان نتیجه گرفته که قرائت عاصم همان قرائت امیرمؤمنان است به جز در ده کلمه که ابوبکر بن عیاش در قرائت عاصم وارد کرده است و اضافه می‌کند که عاصم یکی از هفت تن قاریانی است که قرائتش به حد تواتر رسیده و اعراب قرآنی که هم اکنون رایج است بر طبق قرائت حفص از عاصم اعراب‌گذاری شده است و علت اینکه در مصحف تنها قرائت عاصم به کار رفته است را سادگی و

مزیت و شایستگی آن می‌داند و راز اضبط‌بودنش در بین دیگر قرائات را اخذ آن از امیرالمومنین دانسته گرچه جایز است قرآن به قرائت متواتر هر یک از قراء سبعة خوانده شود (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۱: ۶۱).

مرحوم خوانساری (م۱۳۶۳)

مرحوم خوانساری در روضات الجنات آورده است: «قرائت معتبر که إجراء و کفایت آن مورد اتفاق است، و می‌توان گفت همه آن را روح الامین، [یعنی جبرئیل علیه السلام] فرود آورد و همه وجوه هفت‌گانه آن - به عقیده همه اهل اسلام - به تواتر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است و چنانکه به همین حقیقت گروهی از فقهاء تصریح کرده‌اند» (خوانساری، ۱۳۹۰: ۲۵۴/۳). ایشان همچنین روایات متعدد رسیده در این باب را به‌عنوان شاهد گرفته‌اند از جمله این حدیث که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از پیشگاه خداوند کسی [یعنی جبرائیل] نزد من آمد و گفت: خداوند متعال به تو دستور می‌دهد که قرآن را بر یک حرف [و یک وجه] قرائت کنی. گفتم: پروردگارا! بر ائمتما سخت‌نگیر و دامنه قرائت را توسعه ده. جبرائیل گفت: خدا به تو دستور می‌دهد که قرآن را بر حسب هفت حرف و هفت وجه قرائت کنی». (ابن‌بابویه، ۱۴۱۶: ۳۵۸/۲) ایشان ضمن اشاره به این نکته که ما از طریق روایات اهل‌بیت علیهم السلام امر شدیم تا قرآن کریم را همان گونه قرائت کنیم که مردم قرائت می‌کنند؛ مشهورترین قرائات میان مردم را «قرائات سبع» دانسته و معتقد است در حجیت قرائات سبع به‌طور مطلق و در حجیت سه قرائت دیگری که بر آنها افزوده شده است علیهم السلام اجمالاً، میان علماء امامیه اختلافی نیست. با این حال از منظر ایشان احوط محدودبودن است به قرائات سبعة، بلکه بر قرائت عاصم به روایت ابوبکر (طبق گفته علامه در منتهی) و یا به روایت حفص که متداول است در این دوران و با مرکب سیاه نوشته می‌شود و قرائت‌های دیگر را با رنگ‌های دیگر می‌نویسند تا با قرائت عاصم اشتباه نشود (خوانساری، ۱۳۹۰: ۲۶۳/۱ و ۴/۵) به نظر می‌رسد در تردیدی پنهان، ضمن بیان اعتقاد به حجیت و تواتر قرائات سبعة، راه را برای گسترش به‌سوی قرائات عشر یا محدودشدن به قرائت عاصم باز گذاشته است.

میرزا ابوالحسن شعرانی (م۱۳۹۳)

مرحوم شعرانی نیز گفته است: «تمام مسلمین - به اتفاق - می‌گویند: قراء در قرائاتشان به سماع و نقل و روایت موثق متکی هستند و این مبانی مطمئن تکیه‌گاه قرائات آنها را تشکیل می‌دهد. آنان هرگز بر اجتهاد و اظهار نظر شخصی و استشهاد به قواعد و دستور زبان عربی در قرائات خود روی نیاورند، یعنی قرائاتی را که ارائه کرده‌اند بازده اظهار نظر شخصی و یا نتیجه اقتضاء قواعد و دستور زبان عربی



نبوده است. پیداست که ما می‌توانیم «یاء نسبت» را بر حسب قواعد عربی به فتح و یا سکون قرائت کنیم، و مع ذلك نمی‌بینیم که قراء در تمام موارد قرآن کریم به هر دو وجه قرائت کرده باشند، بلکه می‌بینیم در (۵۶۶) مورد به سکون و در (۱۸) مورد به فتح، و در (۲۱۲) مورد، بعضی از قراء به سکون و بعضی دیگر به فتح قرائت کرده‌اند». آنگاه مرحوم شعرانی می‌گوید: در اثر کوشش و تلاش علماء برجسته ی اسلامی است که قرائات سبع همراه با نام قراء آنها با اینکه از مذاهب و مناطق مختلف بودند هم اکنون در دسترس ماست (فضلی، ۱۴۰۵: ص ۷۲). تأکید ایشان بر اتفاق نظر جمیع مسلمین بر اجتهادی نبودن قرائات در تضادی صدو هشتاد درجه با نظر عالمان معاصری است که منکر صحت این قرائات شده‌اند و نظرات ایشان در قسمتهای بعدی این نوشتار به تفصیل خواهد آمد.

۳. مدافعین قرائات عشره (از قرن ۸ به بعد)

از قرن هشتم با اضافه شدن سه قرائت به قرائت‌های سبعة برخی قائل به تواتر قرائات عشر شدند که در شیعه این قول طرفداران زیادی ندارد؛ اما تعدادی هر چند اندک بر این اعتقاد هستند که به ترتیب تاریخی باور آنها بیان می‌گردد.

شیخ محمد بن مکی عاملی (م ۷۸۶)

شهید اول (شیخ محمد بن مکی عاملی) نیز قرائت قرآن را با قرائت‌های متواتره جایز می‌داند اما با اشاره به اینکه برخی همچون علامه حلی قرائت ابی جعفر و یعقوب و خلف را منع کرده و قرائت عشره را جایز ندانسته است، نظر مخالف خود را این گونه ابراز می‌کند که اصح این است که قرائت این سه نفر نیز مثل هفت قرائت دیگر متواتر و قرائت به آنان جایز است. لذا ایشان کل قرائات عشره را متواتر می‌داند (عاملی، ۱۴۱۹: ۳/۳۰۵).

شیخ زین‌الدین علی عاملی (م ۹۶۶)

همچنین شهید ثانی (شیخ زین‌الدین علی عاملی) به نوعی با تأیید حجیت قرائات عشره، تبصره‌ای بر نظر شهید اول افزوده است و می‌گوید منظور این نیست که هر چه از این قرائات رسیده متواتر است بلکه مراد این است که اکنون تواتر در آنچه از این قرائات نقل شده منحصر است. به عبارت دیگر یعنی قرآن متواتر، خارج از این هفت قرائت نیست ولی همه این قرائات نیز متواتر نیستند و برخی از آنچه در قرائات سبعة نقل شده شاذ هستند چه رسد به قرائات غیر از آنها و چنین ادعا می‌کند که گروهی از اهل فن این رشته نیز به این نتیجه رسیده‌اند (عاملی، ۱۴۲۰: ۱/۲۴۵) هر چند که مشخص نکردند

منظورشان از این گروه کیست چون تا پیش از ایشان هر چه مشاهده شد کل قرائات سبعة را متواتر دانسته بودند و نه قسمت‌هایی از آن را.

سید محمدحسین طباطبائی (م ۱۳۶۰)

علامه طباطبائی قرائات عشره را مشهور می‌داند و می‌گوید علاوه بر قرائت‌های مشهور ده‌گانه، قرائات دیگری نیز از اصحاب و حتی ائمه رسیده و همچنین قرائات شاذی که هیچ‌کدام مورد اعتنا قرار نگرفتند چون بر اساس روایات رسیده امر شدیم به پیروی از قرائات مشهور (طباطبائی، ۱۳۹۴: ۲۱۱) البته ایشان در تفسیر گران‌سنگ خود المیزان، در اغلب موارد بر مبنای قرائت حفص از عاصم به تفسیر آیات پرداختند ولی این بدان معنی نیست که ایشان قرائت حفص از عاصم را برتر و ارجح می‌دانستند بلکه معتقد است قرائت اصلی نازل شده بر قلب پیامبر گرامی اسلام در موارد اختلافی بر ما پوشیده و در بین سایر قرائات گم شده است و برای تشخیص احتمال صحیح‌ترین قرائت در هر مورد باید عواملی چون سیاق آیات، قواعد صرفی، سازگاری با مفاد آیات و غیره را مدنظر قرار دهیم. خود نیز در تفسیر المیزان گاهی ضمن بیان قرائات مختلف به دفاع از قرائت رایج می‌پردازند و برخی موارد نیز قرائت غیر رایج را ترجیح می‌دهد. همچنین در تفسیر آیات، به روایات رسیده پیرامون قرائات منتسب به ائمه هم نظر دارند اما شاید به خاطر اعتقاد به توصیه ائمه مبنی بر پیروی از قرائت مشهور از کنار آنها با سکوت توأم با تأیید مشهور عبور کرده است (فاکر میبدی، ۱۳۹۰: سال ۴، شماره ۲).

۴. مخالفین اختلاف قرائات و منکرین تواتر آنها (قرن ۱۱ به بعد)

از قرن یازدهم به بعد مخالفت با تواتر قرائات شکل گرفت و با تکیه بر سخن ائمه اطهار علیهم‌السلام که قرائت قرآن را واحد و از جانب خداوند واحد می‌دانستند بحث تواتر قرائات مورد انکار قرار گرفت که در این نوشتار از ملا محسن فیض کاشانی که این جریان از او شکل گرفته است مورد بحث قرار می‌گیرد.

ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱)

فیض کاشانی در کتاب وافی باب اختلاف قرائات، احادیثی را در این زمینه نقل کرده که ذیل برخی از آنها نظراتی را ابراز داشته است از جمله حدیثی که فضیل بن یسار نقل کرده که به ابی‌عبدالله گفتم مردم می‌گویند: «ان القرآن نزل علی سبعة احرف فقال کذبوا اعداء الله و لکنه نزل علی حرف واحد من عند الواحد» سپس ایشان می‌گویند: سبعة احرف در اینجا به هفت لغت از لغات عرب تفسیر شده است



و نه قرائات سبعة و نقل قولی می‌آورد از ابن‌اثیر که ذیل حدیث «نزل القرآن علی سبعة احرف کلها کاف و شاف» گفته منظور از حرف اینجا لغت است و قرآن به هفت لغت از لغات عرب نازل شده؛ بعضی قسمت‌ها از ازدیل، برخی هوازن، برخی به لغت قریش و الی آخر... اما شخص مرحوم فیض با اشاره به ادامه سخن امام که فرمودند: «نزل علی حرف واحد من عند الواحد» این‌گونه استدلال کرده است که منظور از سبعة احرف اختلاف قرائات است و امام در حال تکذیب فهم آنان هستند نه سخن آنان (نه اصل قول را)؛ لذا این معنا را در اینجا مناسب نمی‌داند و در ادامه چنین نقل می‌کند که این تکذیب منافاتی با صحت معنای اختلاف لغات ندارد (فیض کاشانی، بی‌تا، ۱۷۷۵/۹) نکته قابل تأمل در اینجا این است که شیخ طوسی در بیان معنای حدیث «نزل القرآن علی سبعة احرف کلها شاف و کاف»، بهترین احتمال را «جواز القراءة بما اختلف فيه القراء» دانست. به بیانی دیگر سبعة احرف را به معنای اختلاف قرائات گرفت در معنای مثبت و مورد تأیید و این در حالیکه فیض کاشانی به معنی اختلاف قرائت می‌گیرد اما در مقام انکار و تکذیب. شاید بتوان میان دو مطلب را بدین صورت جمع نمود که خواسته‌اند بگویند به هفت حرف نازل نشده اما مجاز هستید به هفت حرف بخوانید. و به نوعی می‌توان چنین نتیجه گرفت که فیض کاشانی به هفت لغات بودن قرآن را رد نکرده است. ایشان همچنین در ادامه حدیث اما نحن فنقرأ علی قراءه ابی رو مطرح می‌کند و چنین شرح می‌دهند که از این حدیث استفاده می‌شود که قرائت صحیح قرائت ابی بن کعب است و قرائتی است که موافق قرائت اهل بیت بوده اما به‌طور کامل به ما نرسیده است (فیض کاشانی، بی‌تا، ۱۷۷۷/۹).

شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶)

شیخ یوسف بحرانی صاحب حدائق معتقد است از اخبار این طور ظاهر می‌شود که وجوب قرائت به قرائات مشهور به سبب اثبات آنها و تواترشان از پیامبر نیست بلکه به دلیل طلب اصلاح و تقیه است. سپس با استناد به کلام شیخ طوسی و شیخ طبرسی نتیجه می‌گیرد که ایشان معتقد به قرائات سبعة نبوده و صرفاً به دلیل تقیه و طلب اصلاح بین مسلمین به این اجماع رسیده‌اند که به قرائات سبعة رخصت دهند و گرنه قرآن به حرف واحد بر پیامبر نازل شده است و کلام این دو عالم را صراحتی^۱ در رد ادعای متأخران شیعه که قرائت سبعة و عشره را متواتر دانسته‌اند می‌داند. حتی به استناد حرف ابن جزری که شرایط سه‌گانه را برای صحت قرائت کافی می‌داند می‌گوید وقتی اهل سنت خود صرف‌بودن در دسته

۱. و کلام هذین الشیخین (عطر الله مرقدیهما) صریح فی رد ما ادعاه أصحابنا المتأخرون (رضوان الله علیهم) من تواتر السبع أو العشر.

قراءات سبعة و عشرة را ملاک صحت قرائت نمی‌دانند پس چطور اصحاب ما این قراءات هفت‌گانه را متواتر دانسته اند؟ (بحرانی، بی‌تا، ۹۹/۸) ظاهراً ایشان نظر علمای متقدمی همچون علامه حلی که صراحتاً قراءات سبعة را متواتر دانسته و یا ادله‌ای که شیخ طبرسی در اثبات برتری قراءات سبعة و دلیل اعتماد مردم به آن آورده را نادیده انگاشته است. هرچند که بدون در نظر گرفتن ظواهر سخن ایشان، بطن کلام کاملاً منطبق با نظرات سایر علماست و علمای شیعه متفق القول نزول قرآن را به یک حرف واحد می‌دانند اما اینکه ایشان به استناد اینکه قرآن به حرف واحد بر پیامبر نازل شده به انکار تواتر قراءات می‌پردازد به نظر می‌رسد ناشی از یک خلط مبحث باشد؛ زیرا علی‌الظاهر اعتقاد به تواتر قراءات سبعة با اعتقاد به نزول قرآن به حرف واحد، منافاتی ندارد و همه معتقدیم که قرآن به یک حرف نازل شده است ولیکن به ناچار و در اثر پدید آمدن اختلاف در قراءات و شاید به جهت خاتمه‌دادن به قائله، حکم به صحت قرائت به قراءات سبعة توسط علما داده شده است.

محمدجواد بلاغی (۱۳۵۲م)

علامه بلاغی از جمله منکرین تواتر قراءات، ندای یاللعجب سر می‌دهد از کسانی که قراءات سبعة را متواتر می‌دانند. ایشان معتقد است به دلیل تواتر قرآن بین عامه مسلمین در نسل‌های پیاپی، ماده، صورت و قرائت متداول قرآن به یک شیوه استمرار یافته و هر آنچه از بعضی مردم روایت شده از قراء سبعة معروف و غیر آنها هیچ‌کدام چیزی بر ماده و صورت آن تأثیر نگذاشته و هیچ‌یک از این قراءات کثیره بر آن نص متواتر غلبه پیدا نکرده است در ادامه درباره اختلافات موجود در مصحف عثمانی چنین ادعا کرده است که شاید آن‌طور که گفته می‌شود مصحف عثمانی در برخی نسخه‌ها، فقط در کلمات معدودی آن هم در رسم الخط و ظاهر کلمه، تغییراتی همچون اضافه‌شدن الف بین شین و یاء در کلمه «شیء» در سوره کهف یا در کلمه «لاذبحنه» در سوره نمل، فقط در تعداد کمی از کلمات این چنین تفاوت‌هایی پیش آمده و نهایت تفاوت موجود در قراءات سبعة و عشرة در شکل ظاهری برخی کلمات است و هرگز اضافه یا کم‌شدن کلمه در آنها نیست و این اختلافات اندک را نیز روایات آحاد دانسته که نه تنها موجب اطمینان و وثوق نیستند بلکه به خاطر تعارض و مخالفتی که با رسم الخط متداول و متواتر بین عامه مسلمین در سال‌های طولانی دارد مورد وهن نیز هست. از منظر ایشان اساساً قاریان قراء سبعة و عشرة یک نفرند که عدالت و وثاقتشان ثابت نشده. خود واحدند و از آحادی نقل روایت می‌کنند که حال غالبشان مانند حال خود آنهاست و آحادی مثل خودش نیز از او نقل روایت می‌کند و بیشتر آنها نیز در روایت دچار اختلاف هستند و مثال‌هایی از اختلاف دو راوی از یک قاری



مطرح می‌کند مانند اختلاف حفص و شعبه در روایت از عاصم و یا قالون و ورش در روایت از نافع و تا آخر تمام قاریان و راویان آنها. همچنین اضافه می‌کند که علاوه بر تمام این مسائل حتی اسانید این قرائات نیز آحاد است و در مسانید اهل سنت هم به صحت توثیق نشده چه رسد به امامیه. سپس از تمام این مطالب نتیجه گرفته است که یاللعجب از کسی که این قرائات سبعة را متواتر می‌داند!! و خود معتقد است قرآن نازل شده از سوی خداوند سینه به سینه طی نسل‌های پیایی بین عامه مسلمین منتقل شده و نیکو نیست از قرائتی که در عصرهای گوناگون بین مسلمین متداول و مورد عمل بوده و هست به این قرائات مخالف عدول شود. افزون بر اینکه شیعیان از جانب ائمه اطهار مأمورند تا بر طبق قرائت مردم یعنی نوع مسلمین و عامه آنها بخوانند (بلاغی، آلاء الرحمن، ۱۴۱۹: ۳۰/۱-۳۹) شاید نگاه علامه بلاغی و تفاوت دیدگاه این بزرگوار با علمای پیشین بی ارتباط با زمینه فعالیت و نگرش‌های متعدد ایشان در دفاع از اسلام و تشیع در برابر یهودیان، مسیحیان، بهائیان و وهابیان نباشد.

سید ابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳)

ایشان معتقد است تواتر قرائات و تواتر قرآن دو مقوله مجزا بوده و در عین اعتقاد به تواتر قرآن، قرائات سبعة را متواتر نمی‌داند و می‌گوید انتساب این قرائات به پیامبر قطعی نیست بلکه برخی یک نوع اجتهاد از طرف قاری است و پاره‌ای نیز به صورت خبر واحد از پیامبر نقل شده و متواتر نمی‌باشد. لذا ضمن تأکید بر متواتر بودن قرآن بر عدم تواتر قرائات دلایلی می‌آورند از جمله شرح حال قاریان و راویان و اینکه سند قرائات به فرض پذیرش تواتر در هر طبقه، در طبقه خود قاری فاقد تواتر است چون هر قرائت را یک قاری خوانده و نه بیشتر و آوردن دلیل در اثبات صحت قرائت خود و اعتراض و مخالفت با سایر قرائات، از سوی قاریان و پیروان آنها را نشانه اجتهاد قاری دانسته و بیان می‌دارد چنانچه قرائت‌ها به تواتر از پیامبر نقل شده بود اثباتش نیازی به دلیل نداشت. ایشان در بیان حجیت قرائت‌های هفت‌گانه به استدلال در احکام شرعی می‌گویند: این قرائت‌ها حجیت ندارند و نمی‌توان در صورت اختلاف طبق یکی از آنها به حکم شرعی استدلال نمود. زیرا ممکن است قرائتشان اشتباه و ناصحیح باشد. اینکه نه تنها دلیل شرعی و عقلی بر وجوب عمل به گفتار یکی از قاریان به طور مشخص در دست نیست، بلکه عقلا و شرعا پیروی از غیر علم و یقین ممنوع شده است. حتی به عنوان خبر واحد نیز مورد استناد قرار گرفتن آنها را نمی‌پذیرد؛ زیرا معتقد است که روایت بودن اینها به واقع ثابت نشده و احتمال اینکه اجتهاد و اظهار عقیده شخص باشد نیز وجود دارد. بالاخص که یکی از عوامل بروز اختلاف قاریان، نبود نقطه و حرکت بوده و در وثاقت راویان و قاریان نیز جای بحث است. به علاوه به فرض اثبات ثقه بودن آنان و بر پایه روایت بودن قرائاتشان باز هم حجیت آنها را نمی‌پذیرد زیرا از منظر ایشان

علم اجمالی حاصل شده که پاره‌ای از این قرائات قطعاً از پیامبر صادر نشده و این علم اجمالی سبب تعارض در تمام این روایات می‌شود و هر یک دیگری را تکذیب کرده و همه از حجیت خواهند افتاد. اما درباره صحت نماز دیدگاهشان بر این است که بر اساس نظر معصومان، خواندن نماز با هر یک از قرائاتی که در زمان ائمه معروف بوده کفایت می‌کند. زیرا آنان شیعیان را در خواندن نماز با هر یک از آن قرائات تأیید می‌کردند و چنین سفارش می‌کردند که همان‌طور که یاد گرفته اید بخوانید. پس منحصر کردن جواز صحت نماز تنها به قرائات هفت‌گانه و ده‌گانه مفهومی ندارد بلکه با هر قرائتی می‌توان نماز را به جا آورد با این شرط که شاذ و غیر معروف و یا جعلی و ساختگی نباشد و توسط افرادی که وثاقت و اعتبار آنان نزد هیچ یک از علما ثابت نشده نقل نشود (خوئی، ۱۳۸۲: ۲۰۴-۲۲۲) و این چرخش ناگهانی میان دیدگاه و فتوای آیت‌الله خوئی جای تأمل دارد که چرا ضمن دفاع محکم از اعتقاد به عدم صحت قرائات، به یک باره در فتوای خود با استناد به سخن اهل بیت هر قرائتی را در نماز جایز دانسته اند!!

آیت‌الله سید جعفر سبحانی

آیت‌الله سبحانی نیز صراحتاً تواتر قرائات را نفی می‌کند و می‌گوید اگر منظور تواتر از پیامبر تا قاری باشد که بین ایشان دو یا سه نفر واسطه است و با دو یا سه نفر تواتر صورت نمی‌گیرد. خود قاری نیز که تنها یک نفر است و بین ما و قاری هم دو راوی وجود دارد و این سبب عدم شکل‌گیری تواتر است. در ادامه ایشان ادعا کرده است که همین قرآنی که از زمان صحابه تا کنون باقی مانده و به چاپ رسیده قرآن متواتر است. هرچند نمی‌توان گفت تا زمان رسول خدا متواتر است اما آن نسخه‌ای که تواترش بیشتر است و بیشتر قرائت می‌شود همین قرآن است. و دلیل دیگری اقامه می‌کند که در مشهد ۶۰۰ قرآن خطی است که همه به یک شکل و بر طبق قرائت عاصم نوشته شده است و نتیجه گرفتند که پس نباید نماز را به غیر از این قرائت بخوانیم (درس خارج اصول آیت‌الله سبحانی به تاریخ ۲۶/۰۹/۹۶). اما به اینکه این نسخ خطی مربوط به چه زمانی هستند اشاره‌ای در کلام خود نکردند. همچنین به نظر می‌رسد دلیل اول ایشان نیز با چالش‌هایی روبروست زیرا قرائت عاصم نیز در طبقه قاری و قبل و بعد آن دارای شرایط مشابه با سایر قرائات است و بر مبنای استدلال ایشان از تواتر برخوردار نیست و اینکه گفته شد تواتر بیشتری نسبت به سایرین دارد به نظر می‌رسد مربوط به دوران پس از چاپ قرآن باشد که حکومت عثمانی این قرائت را انتخاب و نسخه‌ای از آن را به منظور چاپ در کشورهای دارای صنعت چاپ ارسال کرد و همین امر سبب افزایش استفاده از آن شد و گرنه تا پیش از آن در دوره‌هایی از زمان



برخی دیگر از قرائتها همچون قرائت ابوعامر با استقبال بیشتری مواجه و شاید بتوان گفت از تواتر بیشتری برخوردار بود.

آیت‌الله محمدهادی معرفت (م۱۳۸۵)

آیت‌الله معرفت نیز ضمن بیان ادله آیت‌الله خوئی، این قرائات را از قاری تا پیامبر موثر نمی‌داند و انکار قراء نسبت به یکدیگر را دلیل دیگری بر آن دانسته که اگر از جانب رسول، متواتر آمده بود کسی این چنین جرأت انکار نداشت! علاوه بر آن معتقد است مواردی در قرائات سبعة وجود دارد که شاذ و مورد انکار عامه مسلمین است و فقها از قرائت به آنها در نماز و غیر آن منع کرده‌اند. و ادله زیادی از جمله تناقضات موجود و بسیاری موارد دیگر را در معایب قرائات هفت‌گانه بر می‌شمرد. ایشان همچنین در ادامه به تأسی از استاد خود، تأکید می‌کند که قرآن به طور قطع در تمام سور و آیات و کلماتش نص وحی الهی متواتر بین مسلمین است به گونه‌ای که اگر کلمه‌ای تبدیل یا جابه‌جا شود مسلمین آن را چیز غریبی در اسلوب کلام الله احساس می‌کنند. ایشان قرائاتی که موافق نص مصحف نیستند را به طور کامل مردود می‌داند و خواندن آنها را در نماز و غیر آن جایز نمی‌داند. همچنین در پاسخ به این سوال که آیا اختلاف مصاحف اولیه در تواتر نص اصلی تأثیر گذاشته یا نه پاسخ می‌دهد «کلا» و تأکید می‌کند که ثبت اصلی بین این مصاحف همان است که امت بر آن اجماع و اتفاق نظر دارند و در طول تاریخ شایع بوده و منتشر شده است. و نظریه عجیبی را مطرح می‌کنند و می‌گویند از عهد اول تا عصر حاضر قرائتی که بین مسلمین خوانده می‌شده قرائتی است منطبق بر قرائت حفص از عاصم و دو علت برای آن ذکر کرده‌اند اول اینکه قرائت حفص قرائت عامه مسلمین بوده و حفص و شیخ عاصم حریص بودند بر التزام و پایبندی به اینکه موافق با قرائت عامه و روایت صحیح متواتر بین مسلمین بخوانند. و قرائت عاصم قرائتی بود که او از شیخ خود ابی عبدالرحمن سلمی از امیرالمومنین گرفت و علی (علیه السلام) نمی‌خواند مگر مطابق نص وحی اصلی متواتر بین مسلمین؛ و عاصم این قرائت را بر شاگردش حفص خواند و سپس مسلمین در طی دوران مختلف به آن اعتماد کردند. و عجیب‌تر اینکه می‌گویند فی جمیع ادوار تاریخ قرائت عاصم قرائت برتری است که بین عامه مسلمین رایج شد و بصورت عمومی و همگانی به سمت آن قرائت رفتند و در جای دیگری می‌گویند قرائتی که بین قاطبه مسلمین رایج شده: «هی قرائه عاصم من طریق حفص فقط!!!» و حتی ملاک صحت قرائت را که ابن جزری برای آن سه شرط مطرح کرده، تنها موافقت با نص موجود بین عامه و مسلمین می‌دانند (معرفت، ۱۴۳۶: ۳۲۵) بنابراین، مسأله تواتر قرائات سبع، اساساً قابل تصور نبوده و معقول نیست؛ زیرا در زمان هر يك از قاریان هفتگانه ناقل تواتر، صرفاً خود آن قاری بوده نه دیگران، وگرنه آن قرائت به

او نسبت داده نمی شد و جنبه اختصاصی پیدا نمی کرد (حسین شاه و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۲۶۳)
همه این بیانات در حالی است که در قسمت های قبل این نوشتار، به کرات شاهد موارد نقض بسیاری
از ادعاهای ایشان در نظرات سایر علمای پیشین بودیم؛ بالاخص کراهتی که در بیان علمای متقدم از
ترجیح یک قرائت بر سایر قرائت ها صراحتاً اعلام شده بود.

نتیجه گیری

ضمن مطالعه آثار به جای مانده از دانشمندان شیعه و بررسی نظرات ایشان در زمینه اختلاف قرائات
و تواتر قرائات مشاهده می شود که وجه مشترک نظرات تمام اندیشمندان شیعه اعتقاد به وحدت نزول
است و ایشان معتقدند که قرآن به حرف واحد از سوی خدای واحد و بر پیامبر واحد نازل گشته است؛
و در پیروی از قرائات موجود در تلاوت قرآن و قرائت نماز مأموریم به خواندن بر اساس آنچه میان مردم
متداول است. اما نسبت به معنای حقیقی «آنچه میان مردم متداول است» و نیز نسبت به تواتر یا عدم
تواتر هر یک از قرائات در طی قرون متمادی تناقضات و اختلاف نظرهای بسیاری در آراء ایشان وجود
دارد. در حالی برخی علما در آثار خویش مدعی اند که نظر ایشان، نظر تمام شیعیان بلکه تمام مسلمین
در اعصار گذشته است که با پیش روی در این سیر تاریخی شاهد تناقضات و تفاوت بسیار آراء عالمان
شیعه هستیم. بررسی قرن اول تا پنجم به خوبی نشان می دهد که گفتمان ها و جریان های حاکم سبب
شده عالمان شیعه هم چون اهل سنت معتقد به جواز قرائات معروف میان مسلمین در طی این سال ها
باشند اما از قرن ششم به بعد تحت تأثیر جریان تسبیح قرائات علمای شیعه قائل به تواتر قرائات سبع
شده اند و از قرن هشتم به بعد باز مسأله قرائات عشره مهم شده و عالمان و اندیشمندان شیعه معتقد و
مدافع قرائات ده گانه شده اند و این موضوع در آثار کسانی چون محمد بن مکی عاملی به خوبی دیده
می شود. اما از قرن یازدهم به بعد شاهد مخالفین اختلاف قرائات و تواتر قرائات هستیم. بنابراین
مطالعه دیدگاه های اندیشمندان شیعه در طول تاریخ پیرامون مسأله قرائات به خوبی نشان می دهد که در
ادوار مختلف رأی اندیشمندان در تواتر قرائات متفاوت بوده است.



فهرست منابع

۱. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۳۰ق.
۲. اراکی، محمدعلی، کتاب الصلوة، قم: مکتب آية الله العظمی الشیخ محمدعلی الاراکی، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ق.
۴. ابن جزری، النشر فی القرائات العشر، تحقیق: علی محمد الضباع، بیروت: دارالکتب العلمية، بی‌تا.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر، تحقیق: عبدالله بن ضیف الله رحیلی، ریاض، بی‌نا، ۱۹۸۵م.
۶. بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق الناظره فی احکام العتره الطاهره، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، بی‌تا.
۷. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۹ق.
۸. پارچه‌باف دولتی، کریم، «انتخاب قرائات از دیدگاه امین الاسلام طبرسی»، قرائت‌پژوهی، دوره ۱، شماره ۱، سال ۱۳۹۲ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم: اسراء، ۱۳۸۲ش.
۱۰. حسین شاه و همکاران، جنت و دیگران، بررسی تطبیقی دیدگاه آیت الله معرفت و عبدالعظیم زرقانی در مبانی تاریخ دانش قراءات، نشریه مطالعات قرائت، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۴۰۱ش.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ق.
۱۲. حسن زاده آملی، حسن، قرآن هرگز تحریف نشده، عبدالعلی محمدی شاهرودی، قم: انتشارات قیام، ۱۳۷۱ش.
۱۳. حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة، ۱۴۱۲ق.
۱۵. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم: دارالکتب العلمية، چاپ دوم، ۱۳۹۰ش.
۱۶. خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات، قم: اسماعیلیان، ۱۳۹۰ش.

۱۷. خوئی، سید ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۱۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه: محسن آرمین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. ساکی، نانسی، شاکر، محمدکاظم، «تواتر قرآن و چالش‌های پیش رو»، سراج منیر، دوره ۵، شماره ۱۷، سال ۱۳۹۳ ش.
۲۰. سلطانی رنانی، محمد، «دیدگاه شیخ طوسی در مورد قرائات قرآن»، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، سال ۱۳۹۸.
۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بی‌جا، منشورات الشریف رضی، بی‌تا.
۲۲. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المسائل السرویه، بیروت: دارالمفید للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. طباطبائی، محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴ ش.
۲۴. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، عروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمد بیستونی، قم: بیان جوان، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، تفسیر التبیان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. عاملی، زین‌الدین بن علی، المقاصد العلیة فی شرح الرسالة الألفیه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۴۲۰ ق.
۲۸. عاملی، محمد بن مکی، ذکر الشیعة فی أحكام الشریعه، قم: مؤسسه آل‌البيت (ع)، ۱۴۱۹ ق.
۲۹. فاکرمییدی، محمد، «اختلاف قرائات و نقش آن در تفسیر از دیدگاه علامه طباطبائی»، قرآن‌شناخت، دوره ۴، شماره ۲، سال ۱۳۹۰ ش.
۳۰. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة، قم: دارالقلم، ۱۴۰۵ ق.
۳۱. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیة تاریخ و تعریف، بیروت: مرکز الغدیر و الدراسات و النشر و توزیع، ۱۴۱۳ ق.
۳۲. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، الوافی، قم: عطر عترة، بی‌تا.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.



۳۴. گراوند، نجمه و دیگران، «دیدگاه شیخ امین الاسلام طبرسی در مورد قرائات»، مطالعات قرائت قرآن، دوره ۷، شماره ۱۲، سال ۱۳۹۸ ش.
۳۵. محمدی و همکاران، محمد حسین و دیگران، قراءات و حجیت آن از منظر ابوجعفر طبری و امین الاسلام طبرسی، نشریه مطالعات قرائت، سال دهم، شماره ۱۹، ۱۴۰۱ ش.
۳۶. معرفت، محمدهادی، تاریخ قرآن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. معرفت، محمدهادی، تلخیص التمهید، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۳۶ ق.
۳۸. میرمحمدی زرنندی، ابوالفضل، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.
۳۹. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ ق.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، لبنان: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.

Resources

١. Ameli, Mohammad bin Maki, Dhikra al-Shia fi Ahkam al-Shari'ah (The Shitte Theories on Islamic Laws), Qom: Alul-Bayt (A.S.) Institute for the Revival of Heritage, ١٤١٩ AH (١٩٩٨ CE).
٢. Ameli, Zain al-Din bin Ali, Al-Maqasid al-'Aliyyah fi Sharh al-Risalah al-Alfiyah (The High Aims in the Explanation of the Thousand-Issue Treatise), Qom: Office of Islamic Preaching of the Seminary, ١٤٢٠ AH (١٩٩٩ CE).
٣. Araki, Mohammad Ali, Kitab al-Salat (The Book of Prayer), Qom: Office of Grand Ayatollah Sheikh Mohammad Ali Araki, ١٤٢١ AH (٢٠٠٠ CE).
٤. Ashtiani, Mohammad Hassan bin Ja'far, Bahr al-Fawaid fi Sharh al-Fara'id (The Sea of Benefits in the Explanation of the Unique), N.p., n.p., ١٤٣٠ AH (٢٠٠٩ CE).
٥. Baharani, Yousef bin Ahmad, Hada'iq al-Nazirah fi Ahkam al-'Itrah al-Tahirah (The Gardens of the Observer in the Rules of the Pure Imams), Qom: Islamic Publishing Institute affiliated with the Association of Qom Seminary Teachers, n.d.
٦. Balaghi, Mohammad Javad, Ala' al-Rahman fi Tafsir al-Quran (The Graces of the Most Compassionate in the Interpretation of the Quran), Qom: Be'thah Foundation, ١٤١٩ AH (١٩٩٨ CE).
٧. Fadli, Abdul Hadi, Al-Qira'at al-Quraniyah (Quranic Recitations), Qom: Dar al-Qalam, ١٤٠٥ AH (١٩٨٥ CE).
٨. Fadli, Abdul Hadi, Al-Qira'at al-Quraniyah: Tarikh wa Ta'rif (Quranic Recitations: History and Definition), Beirut: Al-Ghadi Center for Studies, Publishing, and Distribution, ١٤١٣ AH (١٩٩٢ CE).
٩. Fakhrimobedi, Mohammad, "Ikhtilaf Qira'at wa Naqsh an Dar Tafsir az Didgah Allamah Tabatabai (The Differences in Quranic Recitations (Qira'at) and Their Role in Tafsir from the Perspective of Allama Tabatabai)", Quran Studies, Volume ٤, Number ٢, ١٣٩٠ SH (٢٠١١ CE).
١٠. Fayd Kashani, Mohammad bin Murtadha, Al-Wafi (The Sufficient), Qom: Athar Attar, n.d.
١١. Grawand, Najimeh et al., "Didgah Sheikh Amin al-Islam Tabarsi dar Mawrid Qira'at (The View of Sheikh Amin al-Islam Tabarsi on Quranic Recitations)", Studies in Quranic Recitations, Volume ٧, Number ١٢, ١٣٩٨ SH (٢٠١٩ CE).
١٢. Hassanzadeh Amoli, Hassan, Quran Hargiz Tahreef Nashode (The Quran Has Never Been Distorted), Abdul Ali Mohammadi Shahroudi, Qom: Qiyam Publications, ١٣٧١ SH (١٩٩٢ CE).
١٣. Hilli, Hassan bin Yusuf, Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Madhhab (The Ultimate Discussion in Verifying the School of Thought), Mashhad: Islamic Research Foundation, ١٤١٢ AH (١٩٩١ CE).
١٤. Hilli, Hassan bin Yusuf, Tadhkirat al-Fuqaha (The Biography of the Jurists), Qom: Alul Bayt Institute for the Revival of Heritage, ١٤١٤ AH (١٩٩٣ CE).
١٥. Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan, Wasail al-Shi'a (The Means of the Shia), Lebanon: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ١٣٨٩ AH (١٩٦٩ CE).
١٦. Ibn Babawayh, Mohammad bin Ali, Al-Khisal (The Traits), Qom: Association of Scholars in the Islamic Seminary, Islamic Publication Foundation, ١٤١٦ AH (١٩٩٥ CE).



۱۷. Ibn Hajar Asqalani, Ahmad bin Ali, Nuzhat al-Nazr fi Tawdih Nukhbat al-Fikr (Chosen Thoughts on the Nomenclature of Hadith Experts), Edited by Abdullah bin Dhaifullah Ruhaili, Riyadh, ۱۹۸۵ CE.
۱۸. Ibn Jazari, Al-Nashr fi al-Qira'at al-'Ashr (A Work on the Ten Recitations), Edited by Ali Mohammad al-Diba', Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
۱۹. Javadi Amoli, Abdullah, Nuzhat al-Quran az Tahreef (The Purity of the Quran from Distortion), Qom: Esra Publications, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۲۰. Khansari, Mohammad Baqer, Rawdat al-Jannat (The Gardens of Paradise), Qom: Ismailian Publications, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۲۱. Khoe'i, Sayyid Abu al-Qasim, Bayan dar Ulum wa Masail Kulli Quran (An Exposition on Sciences and General Issues of the Quran), Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Books in Iran, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۲۲. Khomeini, Ruhollah, Tahrir al-Wasilah (The Explanation of Means of Jurisprudence), Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۲nd Edition, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۲۳. Kulayni, Mohammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۶۳ SH (۱۹۸۴ CE).
۲۴. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Talakhis al-Tamhid (The Summary of Introduction to Quranic Sciences), Qom: Islamic Publishing Institute, ۱۴۳۶ AH (۲۰۱۵ CE).
۲۵. Ma'rifat, Mohammad Hadi, Tarikh Quran (History of the Quran), Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Books in Iran (SAMT), ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۲۶. Mirmohammadi Zarrandi, Abu al-Fadl, Buhuth fi Tarikh al-Quran wa Ulumuhu (Research on the History of the Quran and Its Sciences), Qom: Islamic Publishing Institute, ۱۴۲۰ AH (۱۹۹۹ CE).
۲۷. Najafi, Mohammad Hassan bin Baqir, Jawahir al-Kalam (The Gems of Discussion), Lebanon: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi, ۱۴۳۰ AH (۲۰۰۹ CE).
۲۸. Nouri, Hossein bin Mohammad Taqi, Mustadrak al-Wasail (The Complement of Means of Shia), Lebanon: Alul Bayt Institute for the Revival of Heritage, ۱۴۰۸ AH (۱۹۸۷ CE).
۲۹. Parchebafi Dolati, Karim, "Entekhab Qira'at az Didgah Amin al-Islam Tabarsi (Selecting Recitations from the Perspective of Amin al-Islam Tabarsi)", Qira'at Research Journal, Volume ۱, Number ۱, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۳۰. Saki, Nancy, Shaker, Mohammad Kazem, "Tawatur Quran and Chaleshhaye Pishro (Massive Reporting of the Quran and Challenges Ahead)", Siraj Munir Journal, Volume ۵, Number ۱۷, ۱۳۹۳ SH (۲۰۱۴ CE).
۳۱. Sheikh Mufid, Mohammad bin Mohammad bin Nu'man, Al-Masa'il al-Sarwiyyah (Al-Sarwiyyah's Issues), Beirut: Dar al-Mufid for Printing, Publishing, and Distribution, ۱۴۱۴ AH (۱۹۹۳ CE).
۳۲. Soltani Ranani, Mohammad, "Didgah Sheikh Tusi dar Mawrid Qira'at Quran (The View of Sheikh Tusi on Quranic Recitations)", Studies in Quranic Recitations, Volume ۷, Number ۱۲, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹).
۳۳. Suyuti, Jalal al-Din, Al-Itqan fi 'Ulum al-Quran (The Perfect Guide to the Sciences of the Quran), N.p., Published by Al-Sharif Rida, n.d.

۳۴. Geravand, Najimeh et al., "Didgah Sheikh Amin al-Islam Tabarsi dar Mawrid Qira 'at (The Views of Sheikh Amin al-Islam Tabarsi on Recitations)", Quranic Recitation Studies, Volume 7, Issue 12, 1398 SH (2019 CE).
۳۵. Mohammadi and Colleagues, Mohammad Hossein et al., "Qira 'at wa Hujjiyyat an az Manzar Abu Ja 'far Tabari wa Amin al-Islam Tabarsi (Recitations and Their Authority in the Views of Abu Ja'far Tabari and Amin al-Islam Tabarsi)", Journal of Quranic Recitation Studies, Volume 10, Issue 19, ۱۴۰۱ SH (۲۰۲۲ CE)
۳۶. Tabarsi, Fadl bin Hassan, Tafsir Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Interpretation of the Compilation of Statements in the Interpretation of the Quran), Translated by Mohammad Beestoni, Qom: Bayan Javan, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۳۷. Tabatabai Yazdi, Sayyid Mohammad Kazem, Urwat al-Wuthqa (The Firmest Handle), Qom: Islamic Publishing Institute, ۱۴۱۷ AH (۱۹۹۷ CE).
۳۸. Tabatabai, Mohammad Hossein, Quran dar Islam (Quran in Islam), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۳۹۴ SH (۲۰۱۵ CE).
۳۹. Tusi, Mohammad bin Hassan, Tafsir al-Tibyan (The Exegesis of Clarification), Qom: Islamic Publishing Institute, ۱۴۱۳ AH (۱۹۹۲ CE).
۴۰. Zarqani, Mohammad Abdul Azim, Manahil al-Irfan fi 'Ulum al-Quran (The Sources of Knowledge in Quranic Sciences), Translated by Mohsen Armin, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).